



## بررسی ملی بودن دولت صفویه از نقطه نظر ایدئولوژیک

مهدی شریف پور شوشتری<sup>۱</sup>، محمدرضا زرگران خوزانی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۲- دانشجوی دکتری اگروتکنولوژی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان / ملاتانی

### چکیده

با روی کار آمدن سلسله صفویه پس از فراز و نشیب های طولانی یک دولت مقتدر در ایران ایجاد شد و این دولت با داشتن ایدئولوژی برخاسته و توأمان دین و ملیت چیزی بیشتر از دو قرن حکمرانی نمود، در این پژوهش که به صورت مروری و بر اساس منابع و اسناد و مدارک کتابخانه ای تدوین گشته؛ سعی بر آن شده است تا به این مهم دست یابیم که آیا دولت صفویه از نقطه نظر ایدئولوژیک دولتی ملی بوده یا خیر؟ با بررسی ویژگی های این دولت به نکاتی خواهیم رسید که وقتی آنها را با علم سیاست تطبیق دهیم به پاسخ این سوال دست خواهیم یافت. هدف از این پژوهش آن است که بدانیم صفویان دولتی با برنامه بوده و یا بدون برنامه قبلی و بر اثر تصادف دولتی تشکیل داده است.

**واژگان کلیدی:** صفویه، دولت، ایدئولوژی، مذهبی، دوازده امامی، تشیع



## ۱- مقدمه

زمانی که صفویان دولتی را در سال ۹۰۷ هجری قمری در ایران پایه گذاری نمودند، بعد از بروز فتنه و آشوب های فراگیر از طرفی و از طرف دیگر دخالت همسایگان در جغرافیای کشور؛ صفویان توانستند با داشتن برنامه و ایدئولوژی برخاسته از مذهب دوازده امامی و با تکیه بر تجهیزات مادی سیطره و برتری خود را در عمل نشان دهند و خود را بعنوان اولین تشکیل دهندگان دولتی مذهبی- ملی به مردم ایران و همسایگان و به جهان معرفی نمایند و در تاریخ معاصر ایران بعد از اسلام چنین رخدادی مسبوق به سابقه نبوده است؛ بدلیل اینکه این دولت بر اساس شریعت اسلام قدرت گرفته، شبهاتی را بوجود آورده اند که این دولت دارای ایدئولوژی و اهداف و برنامه ریزی نبوده و اساساً مشروعیتی به دنبال خود نداشته و توانسته با زور و بعد باری به هر جهت مملکت ایران را حدود ۲۵۰ سال اداره نماید. پس کوشش داریم با کمک از علم سیاست در پاسخ به این سوال که آیا دولت صفویه دولتی ملی بوده یا خیر کمکی نموده باشیم و حالتی تطابقی روی مولفه های سیاسی و تاریخی از دولت صفویان ارائه دهیم.

بنابراین هر دولتی که بخواهد در جغرافیایی پا به عرصه وجود گذارد می بایست دارای شرایط خاصی باشد که مورد قبول، اول مردم خود، دوم کشورهای همسایه، سوم کشورهای منطقه‌ای، چهارم جهانی باشد؛ یعنی به شکلی مشروعیت و مقبولیت را می بایست برای ظهور و دوام خود ارایه دهد و این مطلب بدست نمی آید مگر به واسطه داشتن ایدئولوژی برخاسته از نظرات رهبر یا رهبران و یا احیاناً برخاسته از دین، که دولت صفویه این مطلب را از دین به عاریت گرفته و در کنار آن دارای قدرت هم شدند و برای اعمال این قدرت هم دارای اقتدار و دیگر مولفه ها هم بوده‌اند و در کنار ایدئولوژی برخاسته از اسلام به دنبال ملی بودن و مردمی بودن هم سوق داشته و توانسته اند به خوبی این سه را با هم ادغام نموده و امپراتوری بزرگ صفویه را با جغرافیایی مشخص و با شعار ایران بزرگ بازسازی و نوسازی نمایند، پس در ادامه و در اولین اولویت می بایست به بررسی مفهوم مولفه ایدئولوژی و شاخص های آن پرداخت.

## ۲- ایدئولوژی:

### ۲-۱- معنا در فرهنگ لغات فارسی :

انواع و اقسام سیستم های فکری و فلسفی و من جمله مذهب که به نوعی در تعیین خط مشی، عمل، یا موضع گیری معتقدان به آنها در مسایل سیاسی، اجتماعی موثر باشد (معین).  
ایدئولوژی افکار و معانی که درباره اصل و مبدا مطالعه و بحث می کند سیاسی یا اجتماعی ؛ کلمه ایده معنای فکر و نظر و لوژی به معنای شناختن ترکیب یافته است. ( عمید، ۱۳۶۰، ج اول، ۲۷۴).



## ۲-۲- معنا در علوم اجتماعی:

عبارت است از دسته ای از آراء کلی درباره رفتارهای ایشان، تعریف نظام کلی احکام عملی، مذهبی فروع دین نام دارد. ایدئولوژی خوانده می شود، ایدئولوژی بر جهان بینی استوار است. جهان بینی عبارت است از نظر درباره جهان و آنچه انسان است ایدئولوژی نظر درباره انسان است آنچه که باید باشد، انسان برای نیل به سعادت نیازمند برنامه ای جامع، هماهنگ و منسجم است و عقل بشر این نیاز را بر نمی آورد هر چند شرط لازم آن است (دانشنامه اسلامی ویکی فقه).

## ۲-۳- معنا در علوم سیاسی:

ایدئولوژی جنبه بسیار حساس و قاطع سیاست است و از فهم واقعیت، تطابق تصور با واقعیت و از ارزش گذاری بر واقعیت برآمده و نوعی نقشه برای گزینش روش و تفسیر سیاست عمل می کند. رهبران سیاسی به طور معمول دارای نظریاتی هستند که برای توضیح رهبری و مشروعیت بخشیدن به حکومت به کار می آید و دلیل تلاش رهبران به ایجاد ایدئولوژی هم بسیار ساده است آنها می خواهند به رهبری خود مشروعیت بخشند تا بتوانند نفوذ سیاسی خود را به صورت اقتدار در آورند، چون حکومت کردن به کمک اقتدار به مراتب با صرفه تر از حکومت کردن به وسیله اجبار است. ایدئولوژی رهبران ایدئولوژی رسمی یا حاکم دانسته می شود، که به طور معمول روحیه، روش، واقعیت ها و دیگر مسائل شروع کننده نظام را مشخص می کند (عالم، ۱۳۸۸؛ ۸۴).

بنابراین هر ایدئولوژی تاحدی ویژگی های زیر را دارد:

۱. اغلب ایدئولوژی ها در شرایط بحران پدیدار می شوند.
  ۲. ایدئولوژی به مثابه نظام توضیح واقعیت.
  ۳. ایدئولوژی الگوی نظام دار اندیشه سیاسی است.
  ۴. دربرگیرنده عناصر تجربی و هنجاری است.
  ۵. اغلب ایدئولوژی ها در خصلت انحصار گر، مطلق گرا و عام هستند.
  ۶. ایدئولوژی استدلالی ترغیبی ساختن فعالیت و مشارکت خلاق طرفداران است.
  ۷. ایدئولوژی متمایل است شخصی شود و مانند اعتقاد دینی به یک باور مقدس تبدیل گردد.
  ۸. ایدئولوژی رشد می یابد اما در برابر تغییرات بنیادی مقاومت می کند (عالم، ۱۳۸۸، ۸۷-۸۶).
- پس ایدئولوژی ها به دلیل ماهیت و اهمیت آنها برای جامعه، کار ویژه های بسیار پرثمری در سازمان جامعه به شرح ذیل می باشند:

۱. ساختار شناختی است برای نگاه به جامعه به طور کلی.
۲. یک فرمول امری فراهم می کند. ایدئولوژی به مسابقه ابزار و مدیریت



۳. به مثابه ابزار مدیریت تضاد و ایجاد یکپارچگی در جامعه به کار می رود.
۴. برای اغلب افراد و گروه‌ها جانبداری از یک ایدئولوژی به مثابه ابزار هویت است.
۵. ویکی از مهمترین کار ویژه ایدئولوژی که مانند یک نیروی توانمند پویا در تعهدات فردی و جمعی برای اقدام له یا علیه طبقه حاکم به کار می‌آید (عالم، ۱۳۸۸، ۸۸-۸۷).

### ۳- ایدئولوژی ایرانیان

در قرون قبل از صفویه، که به ندرت حتی یک حکومت مرکزی وجود داشت که بر سر تا سر قلمرو امروزی ایران تسلط داشته باشد، حکومتی و فرهنگی هویت ایرانی را حفظ کردند پیدایش و گسترش شیعه در ایران احساسات مبتنی بر یک هویت بومی مستقل را مورد توجه بیشتری قرار داد به همین لحاظ تا قرن بیستم میلادی در هویت بومی عنصر شیعی از عنصر ایرانی آن مهمتر بود، هر چند که غالباً لزومی به تمیز بین این دو عنصر وجود نداشت و از سال ۱۵۰۱ میلادی تا قرن حاضر، ایرانی‌گرایی و شیعه‌گرایی در نظر بسیاری از مردم بخشی از یک جریان واحد است (کدی، ۳۸۱، ۵۱).

خاطر نشان می‌گردد که تا قبل از سال (۳۵۲ هجری قمری) مذهب سنت و جماعت در بلاد اسلامی خصوصاً در ایران مذهبی رسمی و دولتی بوده و شیعیان طرفدار مولا علی علیه السلام و اهل بیت او در اقلیت بوده اند و با روی کار آمدن آل بویه با برگزاری مراسم شهادت امام حسین علیه السلام شیعیان جان گرفتند. ولی دو باره پس از سقوط دیلمیان تا عصر هلاکوخان مغول و الجایتو سلطان محمد خدابنده رکود اجرای احکام طریقت تشیع دوازده امامی کاملاً مشهود است و سپس بر اثر بروز حوادثی سیاسی در ایران، هواداران مذهب تشیع دوازده امامی قدرت یافتند و بهرغم میل باطنی دو سوم از مردم وابسته به حکومت سنی در تبریز پایتخت ایران، مذهب تشیع دوازده امامی را به رسمیت شناخته شد و این امر بدستور شاه اسماعیل بنیانگذار سلسله صفویه بوقوع پیوست (یوسف جمالی، ۳۰۵، ۱۳۹۱-۳۰۰).

پس می‌توان این تمایل و خواسته مردم ایران را که بعد از حمله مغول به ایران و رانده شدن اجتماع فرهنگی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و به حاشیه و نخوت رفتن آنان در قرون هفت و هشت هجری قمری در خلوتگاهها و در گوشه و اکناف این سرزمین بعد از ناامیدی و یاس شدید، به دنبال ایدئولوژی بودند که پویا بوده و بتواند جبران سرافکنندگی، شکست و کمبودهای اقتصادی را جبران نماید و از بین مذاهب اسلامی به دنبال تشیع دوازده امامی به حرکت درآمدند، که به آنها روح امیدواری و شرف و تلاش و جهاد را می‌دمید. پس می‌توان حدس زد که چرا این ایدئولوژی بعد از سرکار آمدن مورد حملات داخلی و خارجی شدیدی قرار گرفته است. که به قول دهه های جدید به آن بنیادگرایی مذهبی می‌گویند، چرا که اگر به مفهوم بنیادگرایی مذهبی که در زیر آورده می‌شود توجه نماییم، می‌توان به اهمیت کار صفویان بیشتر پی برد.



### ۳-۱- بنیادگرایی مذهبی:

که به معنای اساس و بنیاد شناخته و به نوعی تفکر ایدئولوژیکی، که در آن اصول مشخصی بدون توجه به محتوای آنها به عنوان حقایق اساسی تغییر ناپذیر در درجه اول دارند به رسمیت شناخته می شود. از این روی بنیادگراییهای مهم هیچ نکات اشتراکی ندارند و یا اگر دارند بسیار کم، به جز اینکه حامیانشان تمایل به نشان دادن صداقت یا اشتیاق به وجود آمده از تعصبی اعتقادی دارند، که احتمالاً بیانگر از خودگذشتگی و فداکاری نسبت به عقیده ای خاص است. پس مشخصه این نوع تفکر مذهبی در جدایی دین بین دین و سیاست است و به شکلی که اعتقاد دارد، سیاست همان مذهب است به این معنی است که اصولاً مذهبی به زندگی شخصی یا خصوصی محدود نمی شود، بلکه اصول سازمان دهنده زندگی عمومی شامل قانون، رفتار اجتماعی، اقتصاد و سیاست نیز در نظر گرفته می شود، پس هدف آنها تشکیل دولتی و پایه مذهبی بازسازی شده و موقعیت سیاسی به جایگاه فرد در سلسله مراتب مذهبی مربوط می شود، البته در برخی موارد، اما نه الزاماً همه آنها (هیوود، ۱۳۸۷، ۹۲-۹۱).

### ۳-۲- نفوذ شیعه در ایران:

این نفوذ سیری تدریجی را پیموده که می توان آن را در هفت مرحله برشمرد:

۱. نفوذ تشیع در میان موالی ایران و عراق
۲. نفوذ تشیع در بعضی از مناطق مرکزی ایران مانند قم،
۳. توسعه گرایش های مذهب تشیع باروی کار آمدن بنی عباس،
۴. فتح طبرستان به دست علویان،
۵. برپایی حکومت آل بویه،
۶. توسعه مذهب شیعه پس از حکومت مغول ها،
۷. شیعه پس از روی کار آمدن صفویه،

در ابتدا کوفه مرکز تشیع بوده و در قرن اول و دوم که ایرانیان به آنجا رفتند و در برگشت صاحب عقاید شیعی شدند، سپس اولین مرکز تشیع و در ایران شهر قم بود و بعد از آن شهرهای آوه، فراهان، تفرش به تشیع روی آوردند. سپس خراسان این نقش مهم را به عهده گرفت و بعد از اینکه ایرانیان به اشتباه خود در به خلافت رساندن بنی عباس پی بردند، این مرکزیت تشیع که تبدیل شد به حکومت در طبرستان به وسیله داعی کبیر که بنیانگذار آن حسن بن زید بود پی ریزی شد (جعفریان، ۱۳۶۸، ۳۲۶).

تصوف در اسلام از سده دوم هجری مطرح شده و ابوهاشم صوفی متوفای (۱۵۰ هجری قمری) بنیانگذار آن بوده است تصوف از تسنن آغاز شد و سرانجامش عمده آن به تشیع روی آورد.



که اوج آنرا در اغلب گرایش های صوفیانه قرن هفتم تا نهم هجری قمری می توان یافت و خصوصیات آن را می توان چنین برشمرد:

۱. غلو و مبالغه در مواضع مذهبی و مقامات اولیای دین
  ۲. صوفیان مورد احترام و ستایش غالب مردم بودند (عوام و خواص)
  ۳. علت این گرایش اینکه در امورات قضایی، سیاسی و حکومتی وارد نمی شدند،
  ۴. در جدلهای علمی و مباحث شرکت نمی کردند و به جنبه های واقعی زندگی مردم متوجه بودند،
  ۵. و در گره گشایی مشکلات مردم شراکت داشته و در جماعات مردم حضور میافتند،
- شیخ صفی الدین اردبیلی یکی از همین صوفیان بود که کمتر از دو قرن بعد، فرزندانش در ایران حکومتی متحد در قالب مذهب تشیع برپا کردند (نویسی و غفاری فرد، ۲۸، ۱۳۹۱).
- بنابراین تشکیل دولت صفویه در ایران در قالب یک دولت شیعه دوازده امامی یکی از طولانی ترین و پرجاذبه ترین فصول تاریخ اسلام و ایران است، زیرا پیروان این مذهب به مدت نه قرن به مبارزات بی امان خود ادامه دادند تا آنکه مذهب شیعه رسمی ایران اعلام شد (مزاوی، ۲۸، ۱۳۶۸).

#### ۴- بررسی دولت صفویه بر اساس ایدئولوژی تشیع

علت پیروزی دولت صفویه را در ۹۰۷ هجری قمری که بر اساس ایدئولوژی اسلامی و مذهب شیعه دوازده امامی شکل گرفت را در دو قرن پیش علت یابی نمود و آن هم در ۶۱۶ هجری قمری که مغولان در دو دوره به کشور ما حمله ور شدند که به طور کلی این سرزمین را تحت سیطره خود گرفته و توانستند عباسیان و اسماعیلیان را هم از میان بردارند و این وحشیگری و کشتار جمعی چنان ترس و دلهره در میان ایرانیان به جای نهاد که ایرانیان ترک شهرها و دهات ویرانه رانمودند و به گوشه های عزلت پناهنده شدند و در کمال یاس و ناامیدی در این میان بی فرهنگی و تسامح مذهبی و تجزیه ی متصرفات ایران بین خوانین مغول درویشان و دردمندان ایرانی را از جامعه گریزان کرده و مردم به مساجد، خانقاه ها، محفل عرفا و به جمعیت دردمندان جامعه کشانید و هر کدام از این گروه ها به دنبال مراد و امان خود به همراه سایر طبقات ستمدیده و صوفیان اهل فتوت یافتیان داخل شدند بنابر شهرتی که در جامعه افواه اتفاق افتاده بود التیامی برای دل دردمند باشند. فتیان گروهی از عیاران آن دوره بودند که شامل جماعتی می شد که متصوفه نامیده می شدند، که جهت مداوای اخلاق جامعه به استحکام آن طی طریقت نموده بودند و پیوسته به قناعت زندگی می کردند و حاضر نبودند به دنبال ثروتمندان جامعه بروند و در خدمت و مکتب عرفا که به آنان سخت وفادار بودند روزگار می گذرانند و این ارادت و علاقه را می توانیم در عصر صفویه خصوصاً در دوره جنید، حیدر و شاه اسماعیل اول به فراوانی و مشاهده کرد. به همین دلیل در کنار مراد خود در گوشه خانقاه و مساجد گرد آمده و به لحاظ نیاز به امنیت گردآمدگان از قدرت



مادی و معنوی بزرگان و شیوخ مذهبی استفاده می کردند و می توان از شخصیت هایی مانند شیخ زاهد گیلانی در آستارا، شیخ صفی الدین اردبیلی در اردبیل، شیخ سعد الدین محمد شبستری در آذربایجان شرقی، اوحدی مراغه ای در آذربایجان شرقی، شاه نعمت الله ولی در کرمان، نورالدین عبدالرحمان جامی در خراسان، و شیخ نجیب الدین بزغش در شیراز، نام برد (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۱۵۵-۱۵۰).

بنابراین تصوف در این دوره به دو گونه شناخته می شد:

۱. تلقی و تعبیر زاهدانه و متشرعانه که خود را مقید به رعایت کامل ظواهر شرع دانسته و کمترین تخطی از محدوده های شریعت را بر نمی تابید و متابعت را فقط تقید به آداب و احکام و الفاظ و عبارات شرعی می دانست و بس .

۲. تلقی عاشقانه همراه با حریت و سعه صدر و تساهل و تسامح از افقی بالاتر و بازتر به مسائل می نگرند و مذهب عاشق را از تنگ نظری های آداب دانان دیر جوش و مترسمان سخت گیر جدا می داند (موحد، ۲۹، ۱۳۸۱-۲۸) تبریز آن دوره از مراکز عمده علم و ادب و تصوف بود و دانشمندان آن روزگار از دورترین نقاط مملکت روی به تبریز می نهادند، یکی از آنها شیخ صفی الدین اسحاق اردبیلی عالم و صوفی معروف متوفی به (۷۵۰ هجری قمری) می باشد، که پیرو و مرید مرشد خود شیخ زاهد گیلانی و شهاب الدین محمود اهری بوده و نکته ی مهم اینکه شیخ صفی الدین اردبیلی از ارادتمندان به سلسله و مکتب صفویه می باشد (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۱۸۹-۱۹۰).

از میان شیوخ و عرفای قرن ۷ و ۸ هجری قمری که سکاندار معرفت و فضیلت بوده و چراغ معرفت را در روشن نگاه داشتن علم و دانش می دانستند . واقدام نمودند که هرچند گهی هم نفس گرم آنان و دل های غمناک و اندوهگین مردم مظلوم و بیچاره را حیات می بخشید و گرم می ساخت، شیخ صفی بود که به گفته مورخان گذشته و حال از تبار کردان موصل عراق و از ناحیه سنجار بوده است (کسروی، ۴۶، ۱۳۲۳).

##### ۵- مکتب شیخ صفی

وصول در مکتب شیخ معرفت، معاملات، محبت و یا علم، عمل و عشق است که شیخ صدرالدین قونوی، شهاب الدین سهروردی و جلال الدین رومی مبلغ آن بوده اند.

از ویژگی طریقت شیخ صفی دوری از تکدی و زنبیل گردانی و طفیلی گری است، که در آن دوره عمومیت داشت. و تاکید وی بر حلال خوری، حلال پوشی و مهمتر از آن در مکتب وی عزلت گزینی و مردم گریزی و بی اعتنائی به آلام و مصائب و گرفتاری های خلق نیست، تصوف شیخ صفی، تصوف مثبت و اجتماعی بود به همین جهت هم مورد توجه و علاقه و اعتقاد قشر پایین جامعه قرار گرفته و همیشه می گفت: باید به مردم خدمت نمود و خلق خدایی را که به دیدار



شتافته اند را نباید بی سرپرست و بی توشه رها کرد. شیخ صفی به به زبان‌های فارسی دری، عربی، ترکی و مغولی آشنا بود و به زبان آذری و به لهجه گیلکی تالشی فهلوی شعر می‌سرود (صفوه الصفا، ۴۷۳، ۱۳۷۶ و ۲۵۵ و ۹۵۴).

#### ۵-۱- شیخ صفی و ارتباطات او با مراکز قدرت

وی از زمانی که به محفل شیخ زاهد گیلانی در هلیه کران راه یافت و از طرف وی به عنوان نماینده معرفی شد با مراکز قدرت ارتباط یافت، باکسانی مانند امیر چوپان، احمد جلایر، خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، غازان خان، اولجاتیو ابوسعید، که این ارتباطات بعدها در تحکیم قدرت صفوی بسیار مهم بود. مریدان وی چنان قدرت یافته بودند که هر از چندگاهی در صدد امر و نهی مردم کوچک و بازار می نمودند و باعث ایجاد درگیری و نارضایتی و نظم شهر را بر هم می‌زدند (موحد، ۲۸۳، ۱۳۸۱).

#### ۶-۱- ایدئولوژی صفویان

طریقه و مکتب شیخ صفی الدین ادامه همان طریقه تصوف سنتی اشعری گرایانه سهروردی، که در اصل منسوب است به ابونجیب ضیاءالدین عبدالقاهر سهروردی متوفای (۵۶۳ هجری قمری) از مهمترین شخصیت‌های این طریقه شهاب الدین ابو حفیض عمر سهروردی (۶۳۲ هجری قمری) صاحب کتاب عوارف المعارف در تصوف است (موحد، ۱۳۸۱، ۱۹۳). این طریقه سرانجام به جنید بغدادی تصوف معتدل مقید به شریعت منتهی می‌شود، تصوفی که خطوط اصلی آن در رساله قشیریه و احیاء العلوم غزالی و عوارف المعارف سهروردی ترسیم شده، بی آنکه به ورطه شطیحات اصحاب سکرافزاده یاسودای عشق ساده رویان و جمال پرستی و نظر بازی دامنگیرش شود و یا در پیچ و خم تاویلات باطنی و محذورات وحدت وجود گرفتار آید (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۲۰۰).

وراههای وصول حق در این مکتب، معرفت معاملت و محبت و یا علم و عمل و عشق است، که شیخ صدرالدین قونوی، شهاب الدین سهروردی و جلال الدین رومی مبلغان صدر آن بودند (موحد، ۱۹۴، ۱۳۸۱). بعدها در طریقه سهروردی تحولاتی رخ داد که گرایش آنان به دو مرحله تنزل کرد یک گرایش مشرب وحدت وجودی و عرفان نظری یا مکتب ابن عربی دو گرایش به عنوان عاشقانه ایرانی که شیخ صفی الدین اردبیلی و پیروان او از این خط مشی پیروی کرده اند (یوسف جمالی، ۲۰۱، ۱۳۹۱).

شیخ صفی الدین را اعتقاد به عمل و کارنیکوبود و عقیده داشت که، به پرخویش باید کرد پرواز به بال دیگران نتوان پریدن (ابن بزاز، ۵۷۰، ۱۳۷۶).

از میان شیوخ و عرفای قرن ۷ و ۸ هجری که چراغ معرفت و کشتی فضیلت را سکاندار بوده و در روشن نگاه داشتن علم و دانش سهم بودند که گاه نفس گرم آنان دل‌های غمناک و اندوهگین مردم مظلوم و بیچاره را حیات می‌بخشید و





گرم می ساخت، یکی هم شیخ صفی الدین بود به گفته مورخان گذشته و حال از تبار کردان موصل عراق و از ناحیه سنجان بوده است (کسروی، ۱۳۲۳، ۴۶).

## ۷- شاه اسماعیل موسس سلسله صفویه

وی در سه شنبه ۲۵ رجب سال (۸۹۲ هجری قمری) در اردبیل به دنیا آمد وی در فتح تبریز به سال (۹۰۷ هجری قمری) دستور داد تا سکه های طلا ضرب کرده و این جملات نوشته شود، پنده شاه ولایت و طرف دیگر آن نام ائمه دوازده گانه سلام الله علیهم اجمعین و جمله وحدتی لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله وی در دوم نوروز (۹۰۷ هجری قمری) در شهر تبریز تاجگذاری نمود (ترکمان، ۱۳۶۴، ۶۰).

### ۷-۱- تحولات مذهبی در راستای ایدئولوژی در شروع صفویه

صفویان بعد از این که توانستند حکومت خویش را که بر اساس ایدئولوژی و شریعت اسلامی پایه گذاری شده بود و بر مبنای تشیع دوازده امامی که به آن تعصب داشتند، به سرعت حاکمیت خود را در سراسر ایران جاری ساختند و توانستند در راستای فرامین اسلامی، شیعی، مواردی مانند سیاست داخلی و خارجی، فعالیت های اقتصادی، روابط خارجی و اشتغالات نظامی خویش را بر این هدف پایه گذاری نمایند، که بعد از استقرار کامل آنها در دوره شاهان بعدی (بعضی) از آنها می توان به خوبی هدف گذاری در امورات فرهنگی و اجتماعی رابه خوبی مشاهده کرد. هرچند در این راه نوشته هایی وجود دارد که گواه بر این است که در این راه صوفیان سخت گیری هایی را داشته اند و از فقه و شعائر و بزرگداشت های اسلامی (تشیع) به شدت استفاده می نموده اند و این خصیصه را می توان در همه ایدئولوژی ها دید که وقتی به منصف ظهور رسیده اند آگاهانه، یا غیر آگاهانه و به شکل طبیعی به طرف این خصوصیت ها که در زیر آورده می شود کشیده شده اند:

۱. اغلب ایدئولوژی ها در شرایط بحران پدیدار می شود که به خوبی می توان این خصیصه را در خصوص هسته اولی حکومت صفویه و سپس در حوادث مابقی آن می توان دید و بررسی نمود .
۲. ایدئولوژی به مثابه نظام توزیع واقعیت است که صفویه به عنوان نمادی که خود را احیا کننده ایدئولوژی اسلامی می دانستند اعلام موجودیت کردند.
۳. ایدئولوژی الگوی نظام دار اندیشه های سیاسی است که صفویان تمامی سیاست های خویش را در قالب و نشات گرفته از شریعت و سنت اسلامی حاصل نموده و سعی در ترویج هرچه بیشتر آن داشتند.
۴. ایدئولوژی در برگیرنده عناصر تجربی و هنجاری است، صفویان در ایجاد و رواج هنجارهای مورد قبول تشیع و زدودن نمادهای غیر هنجاری در جامعه ایرانی بسیار کوشیدند و از عناصر دارای تجربه و دانش توانسته اند در پیش برد اهداف فعالیت ها کنند.



۵. اغلب ایدئولوژی‌ها در خصلت انحصارگر، مطلق‌گرا و عام هستند که صفویان هم مانند خیلی یا همه داعیه داران ایدئولوژی از این خصلت در امان نبوده‌اند و طبیعی هم به نظر می‌رسد که با توجه به داشتن حاکمیت به شکلی عمل کنند که برچسب انحصارگر و مطلق‌گرا هستند ولی در همان حال، حالت عامیانه خود را هم حفظ نموده‌اند.

۶. ایدئولوژی‌ها استدلالی ترغیبی برای برانگیختن فعالیت و مشارکت خلاقانه طرفداران است که در این دوره که دقت می‌کنیم تمامی افعال صفویان بر اساس شعار و حرف خالی نبوده که به واسطه پشتوانه استدلالی تشیع و جلسات مباحثه و علاقمندی به علم و دانش تجربی دیده می‌شود و همانطوری که به دنبال آوردن علما و فضلا و دانشمندان از جهان اسلام بوده‌اند به واسطه همین پویایی ایدئولوژی تشیع تمامی اقوام را در فعالیت‌ها و پیش‌برد‌ها مشارکت داده و از مشارکت خلاقانه طرفداران، چه داخلی و چه خارجی نهایت استفاده را می‌کرده‌اند.

۷. ایدئولوژی متمایل است که شخصی شود و مانند اعتقاد دینی به یک باور مقدس تبدیل گردد، که البته این ایدئولوژی نیست که دستور به شخصی‌گرایی و انحصاری صرف می‌دهد بلکه این اشخاص هستند که در همان اوایل و سپس طول دوره با نقل خواب‌ها و ارتباطات ماورایی خواسته‌اند خود را مانند یک اعتقاد دینی درافکارواذهان مردم به یک باور مقدس القا سازند و این نحوه را از شروع سلطنت شاه اسماعیل اول مؤسس تا پایان جنگ چالدران می‌توان به خوبی دید.

۸. ایدئولوژی رشد می‌یابد اما در برابر تغییرات بنیادی مقاومت می‌کند صفویان هم از این قاعده مستثنی نبودند و به سرعت راه رشد را پیمودند ولی تنها در برابر تغییرات مقاومت سرسختانه می‌کردند بلکه از قبل برای روبرو شدن با آن برنامه و آمادگی نداشتند، مانند جنگ چالدران که از عثمانیها از توپخانه و سلاح آتشین استفاده کافی نمودند ولی صفویان با توجه به باور غلط فقط مردانگی را در جنگ با شمشیر می‌دانستند.

به دنبال ادامه سیاست‌های سرمشق گرفته از ایدئولوژی صفویان، آنان در زمان بایزید دوم به حمایت از شیعیان آناتولی که در محدوده‌های آسیای ضعیف به ویژه تکه ایلی و ولایات جنوب آسیای ضعیف با دولت مرکزی درگیری داشتند برخاست، این شیعیان که به دنبال پناهندگی و مهاجرت به ایران بودند و به دلیل مهاجرت آنان چرخ صنعت و کشاورزی و اقتصاد دولت عثمانی در آناتولیا را هم فلج کرده بودند، که این تقاضاها و مهاجرت‌ها دلایل دیگری هم داشت:

۱. دراقلیت مانند تعداد زیادی از شیعیان و طرفداران خاندان صفوی.
۲. بدرفتاری حکام و ماموران مالیاتی عثمانی نسبت به شیعیان آناتولی.
۳. توجه دولت تازه تاسیس صفویه به مریدان این خاندان در آناتولی و آسیای ضعیف.
۴. خصوصاً توجه خاص به شیعیان ساکن در مرزهای دو طرف به سبب مسائل سیاسی، مذهبی بین عثمانی و ایران.



۵. آگاه شدن از در رفاه بودن مهاجرانی که پس از سال ۹۰۶ هجری قمری به ایران آمده بودند و در حمایت دولت صفویه زندگی می کردند (راوندی؛ ۱۳۴۷؛ ۳۸۲).

به همین دلیل شاه اسماعیل اول با استفاده و تکیه بر ایدئولوژی تشیع یکسان با شیعیان آناتولی استفاده کرد و در راستای منافع ملی ایران اقداماتی به نفع شیعیان عثمانی نمود که عدم وجود آنان در خاک عثمانی باعث به رکود کشاندن کشاورزی و صنعت عثمانی شد. به همین دلیل در مکاتبات رسمی از با یزید دوم سلطان عثمانی خواست که به شیعیان طرفدار صفوی مقیم متصرفات آسیایی اجازه دهند تا برای زیارت مقبره شیخ صفی بزرگ خاندان صفوی در اردبیل به ایران مسافرت کنند (نوابی، ۱۳۴۸، ۵۹-۵۳).

### ۲-۷- پیروزی های شاه اسماعیل

در نهایت موجبات جلب قلوب و سرداران و قزلباشانی شده بود که در آناتولی می زیستند و در صدد یافتن آرامش و زندگی بهتری بودند به همین جهت می بینیم که فردی به نام شاه ولی بر ضد عثمانی شورش و اعلام پناهندگی و مهاجرت به سوی ایران می کند وی به همراهی پانزده هزار تن از افراد قبیله خود به گروه کثیری از صوفیان ناحیه منتشاوقرامان به قصد رسیدن به ایران از آناتولی حرکت می کنند و بدون شک علت اصلی این تقاضا و شورش شیعیان آناتولی صرف نظر از مال اندوزی و کسب غنائم جنگی، کسب آزادی های سیاسی و عقیدتی بوده که در خاک عثمانی کمتر یافت می شد زیرا سلطان محمد دوم و سلطان سلیمان اول اینگونه عقاید مذهبی و سیاسی را در محدوده های متصرفی خود ممنوع اعلام کرده بودند و نشان بارز آن دو قبیله حمید لو و تکه لو را می توان نام برد که از جور و ستم سلاطین عثمانی به تنگ آمده و اصولاً در صدد کسب این گونه آزادی ها بودند (یوسف جمالی؛ ۱۳۹۱؛ ۴۷۵-۴۷۳).

### ۳-۷- فضل و دانش شاه اسماعیل

علاوه بر اینکه وی صاحب شمشیر و قلم بود و در جوانی به کسب علم و دانش قرآنی رغبتی تمام نشان داد و در خدمت مولانا شمس الدین لاهیجی به فراگرفتن سه زبان فارسی عربی و خواندن قرآن کریم اشتغال داشت. در جوانی به وفور علم و دانش مشهور شد زبان ترکی، فارسی و ترکی ترکمنی قزلباشان خود آشنایی کامل داشت و به همان زبان ها هم قادر به سرودن شعر بود (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۳۲۱).

مورخان و منتقدان وی معتقدند که نه تنها سبک ادبی خود به نسیمی شاعر و حروفی مسلک تاسی جسته بلکه در ایدئولوژی مذهبی خود هم از وی پیروی نموده (یوسف جمالی، ۱۳۹۱؛ ۳۲۶).

ادوارد براون دلیل عمده این کمبود های ادبی در دوره شاه اسماعیل را به خاطر آن می داند که پادشاهان صفوی تعصب شدیدی به مذهب نشان می دادند و عثمانیها و ازبکان را دشمن خاص می دانستند و بیشتر هم غم خود را در راه پیشبرد مذهب تشیع دوازده امامی مصروف می داشتند (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۳۳۲).



## ۸- تحولات فکری و فرهنگی و نهادینه شدن حکومت دینی در ایران

در مورد نهاد دینی در دوره قبل صفویه نشان می‌دهد که نهاد دینی شیعی در ایران به طور مستقر در دوره صفویه وجود نداشته و با روی کار آمدن صفویه علما و فقهای شیعه بسیاری از آنان در خارج ایران بودند و در سرزمین‌های عربی (عراق، جبل عامل، بین النهرین) که آن مکان‌ها از قرن چهارم تا دهم هجری قمری کانون تشیع بوده، دولت صفویه دولتی نوظهور و کاملاً نوبی بود در تاریخ تشیع و چون تا آن روز هیچ دولتی مبتنی بر آموزه‌های تشیع دوازده امامی تأسیس نشده بود به همین دلیل وقتی صفویه با این ایدئولوژی سرکار آمد خلافت جهانی سلاطین عثمانی را قبول نداشت و به همین خاطر صفویه شیخ کرکی را وارد دستگاه کرده و رای او را بر تمام فقها برتر می‌شمارند (آقاجری، ۲۲، ۱۳۸۰-۲۰).

اسکندر منشی ترکمان وقایع نویسن دربار شاه عباس اول در مورد سیادت خاندان صفوی می‌نویسد، به اتفاق جمهور علمای انساب از اولاد نامدار حضرت امام کاظم علیه السلام نسب همایون رابه امامزاده عالی مقام، ابوالقاسم حمزه که به قول اصلح در سو سفید ترشیز مدفون است می‌دانند (منشی ترکمان، ۱۳۷۷، ج اول، ۱۳).

دانشمندان و فقهایمانند:

۱. علی بن الحسین بن عبدالعالی کرکی مشهور به محقق ثانی که در نجف تحصیل می‌کرد و به لحاظ فقهی مقام عالی را دریافت داشته (جعفریان، ۱۳۶۲، ۳-۲).
  ۲. مولانا حسین واعظ یکی از علما دربار شاه اسماعیل اول که تالیفات او مانند جواهرالتفسیر، روضه الشهداء، اخلاق محسنی، مصابیح القلوب، مخزن الانشاء نام برد.
  ۳. مولانا نظام استرآبادی (جعفریان، ۱۳۶۳، ۸۷).
  ۴. امیر جمال الدین محمد استرآبادی (جعفریان، ۱۳۶۳، ۱۹۰-۱۸۹).
  ۵. امیرغیاث الدین منصور مشهور به معلم ثانی (جعفریان، ۳۰۳، ۱۳۶۳).
  ۶. ابوالحسن بن مولانا احمد باوری (جعفریان، ۱۳۶۳، ۳۰۳).
  ۷. مولانا حسین خواجه شرف الدین عبدالحق معروف به (الهی اردبیلی) (تربیت، ۱۳۱۴، ۴۹-۴۷).
- و تعداد دیگر بسیاری از دانشمندان و علما و فقها که شاه اسماعیل اول آنها را در راستای نقش و اشاعه ایدئولوژی تشیع دوازده امامی در سراسر ایران سکنا داده است و آنها به ترویج مذهب رسمی کشور اهتمام داشته‌اند. پس برای مورد اول یعنی ایدئولوژی که بیانگر افکار و عقاید آنان بوده و دارای سرچشمه محکم الهی می‌باشد رادقت نظر داشته و به گردآوری و استفاده از عالمان دینی خصوصاً، اهتمام ورزیده‌اند.
- در جلسه‌ای که به امر شاه اسماعیل برگزار شد و با حضور مشاورین و امرا صفویه، در نهایت تصمیم بر این شد که مذهب تشیع دوازده امامی را مذهب رسمی دولت صفویه معین نموده و به ترویج و تعمیم آن بکوشند و به همین واسطه اهالی شیعه ایران را با خود همراه ساختند. و چون در آن اوقات از مسائل مذهب جعفری و قوانین و قواعد ملت ائمه دوازده



امامی، اطلاعی نداشتند زیرا که از کتب فقه امامیه چیزی در میان نبود. بنابراین جلد اول از کتاب قواعد امام اسلام که از جمله تصانیف شیخ جمال الدین مطهرحلی را به دست آورده که قاضی نصرالله زیتونی از روی آن تعلیم و تعلم مسائل دینی می نمود. استفاده از علما روحانیون و دانشمندان دوره نسبتاً پر تلاطم و پر تحرک ولی طولانی عصر صفوی از سال (۹۰۷، ۱۱۳۵ هجری قمری) دولتمردان و شیعیان و هواداران این خاندان، علما و فضیله‌های ایرانی شیعه مذهب عصر خود را ارج می نهادند و احترام خاصی نسبت به آنها قایل می شدند و امامزاده‌های متعدد در این مرز و بوم بازسازی شد شهرهای مذهبی دوباره رونق از دست یافته را به دست آوردند، نویسندگان شیعی تشویق به مدیحه‌سرایی و مرثیه خوانی شدند و بر اثر همین حمایت صفویه علما و فضیله‌های بسیاری ظهور یافتند (یوسف جمالی، ۶۸۳، ۱۳۹۱).

با تاسیس دولت صفوی، افق‌های تازه‌ای در تاریخ ایران گشوده شد، که نه تنها خبگان جامعه، بلکه نهادها و ساخت سیاسی و نظام اجتماعی ایران آن عصر تغییر پیدا می کند، به این نحو که در عصر صفویه خصوصاً در زمان شاه اسماعیل اول، نه تنها یک دگرگونی در نهاد سیاسی کشور پدید آمد، بلکه حکومتی در ایران مستقر شد که بر خلاف حکومت‌های سابق شکل ایرانی دارد و ملی‌گرایی در آن جلوه گر است. هر چند که هواداران آن از ملیت‌های مختلف تشکیل می شدند و دولتی مبتنی بر پایه و اساس تشیع دوازده امامی را خواستار بودند (صفت گل، ۱۳۸۱، ۲۹۷، ۱۳۰).

در عصر شاه طهماسب اول حدود هفتصد تن از مسلمانان سنی مذهب معروف و مشهور در دربار او می زیسته اند و صاحبان مشاغل مهمی بوده و بعید به نظر نمی رسد که این افراد در بار و زمان شاه اسماعیل اول را هم درک کرده باشد و مثلاً وزیر اعظم شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب اول، صدورشاه، اسماعیل اول حتی شیخ محمد لاهیجی معلم شاه اسماعیل اول صوفی معروف از طایفه نقشبندی فارس، استاد کمال‌الدین بهزاد، خطاطان و نقاشان و مورخان دربار و غیره از جمله این افراد بوده اند (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۳۸۸).

#### ۸-۱- یکی از علل سقوط صفویه

همانطوری که زمینه و ظهور و استقرار دولت صفویه بر اساس ایدئولوژی اسلام (تشیع دوازده امامی) روی کار آمد و توانست بیش از دو قرن حاکمیت داشته و دستاوردهایی، وقتی که به دلایل سقوط این سلسله می‌رسیم می‌بینیم کسانی مانند ولادیمیر مینورسکی در مورد عوامل سقوط صفویه به چند علت اشاره دارد که اولین و مهمترین آنها مسئله ایدئولوژیکی آنان است، ناپدید شدن هسته اساسی دینی که بنای دولت شاه اسماعیل بر آن استوار شد بدون آن که ایدئولوژی پویایی دیگری جای آن را بگیرد. که البته این سقوط ناشی از بحران‌های همزمان و به هم مرتبط اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی می باشد و ریشه این بحران اقتصادی، مالی است بحرانی که دارای اثرات نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکی بوده (فوران، ۱۳۷۷، ۱۲۱-۱۲۰).



## ۹- اختلافات ایدئولوژیکی صفویان با همسایگان شرقی و غربی

از فواید این که مذهب ایرانیان را صوفیه به تشیع دوازده امامی تغییر رسمیت دادند این بود که از لحاظ معنوی نیز باعث جلوگیری و پیشرفت عثمانی ها در ایران شد ( یوسف جمالی ۳۰۶، ۱۳۹۱-۳۰۵).

بعد از تیموریان در خراسان شییک خان ازبک، توازن قدرت را در خراسان به هم زد به همین دلیل دولت تازه تاسیس صوفیه به فکر چاره جویی افتاد برای رفاه حال شیعیان خراسان و برقراری امنیت و توازن قدرت در منطقه، در مرحله نخست سفرایی با تقاضای صلح و دوستی اعزام نمود که متأسفانه جوابی برعکس داد.

و بعد از اینکه در ۹۰۷ هجری قمری مذهب تشیع را مذهب رسمی ایران نمودند، همسایگان شرقی و غربی به مداخله هایی در این نواحی از ایران پرداختند که باعث ایجاد ناامنی در منطقه خراسان شد، که این دولت ها تاسیس صوفیه شیعه دوازده امامی را مطابق با خواسته های خود و ایدئولوژی مذهبی خود نمی دیدند، به اغتشاشات و ناامنی ها بیشتر دامن زده و به اذیت و آزار شیعیان بی گناه کشورمان در شرق و غرب پرداختند و قصد آنان از این اقدامات این بود که دولت صوفیه را سرنگون نمایند و جلوگیری از گسترش تشیع نمایند در منطقه و بازگشایی راه تجاری شرق با غرب و متحدان هم مذهب خود را که با ظهور صوفیه مسدود شده بود احیا نمایند (خواند، ۱۳۳۵، ج ۴، ۵۰۵-۵۰۴).

صفویان با تبلیغات بسیار وسیع، سعی بر ارائه ایدئولوژی خود (تشیع دوازده امامی) داشتند مورخان عصر صفوی جهت پیشبرد اهداف سیاسی خود و خاندان صفوی و مجزاکردن مرزهای ایران از زیر سلطه دولت عثمانی که به غلط و زور گروگان گیری مذهب، خویشتن را خلیفه مسلمین جهان می دانستند و در پی آن بودند تا خطه زرخیز ایران را هم جزء خاک عثمانی نماید، به همین جهت صوفیه از علاقمندی و گرایش مردم ایران به خاندان اهل بیت رسول اکرم (ص) والائمه اطهار (ع) استفاده کرده نسبت خاندان صفوی را به امام موسی کاظم (ع) رسانیدند این گروه که در اصل شافعی مذهب و سپس شیعه افراطی شدند، سعی فراوان نمودند تا اذهان شیعیان مخلص و مومنان علی (ع) را به خود و اهداف خود که همانا اتهام (تشیع سیاسی) بود معطوف دارند (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۳۰۸).

البته اگر چنانچه فرض را بگذاریم که صفویان از سادات نبوده و ارتباطی هم با امام موسی کاظم (علیه السلام) نداشتند و خود هم مذهب شافعی را داشته اند دو فرض مورد نظر می آید:

۱. شافعیان به مذهب تشیع بسیار نزدیک هستند و چه اشکالی متصور است که گروهی یا شخصی تغییر مذهب دهند.
۲. چنانچه صوفیه اهل هر مذهبی بوده اند ولی ایرانی بودن و امنیت ملی ایران را سخت مورد نظر داشته اند که بآبی بردن به مساله نفوذ عثمانی به خاک ایران، توانستند عثمانی ها را در خاک خود زمین گیر نمایند.

مشاوران مخصوص شاه اسماعیل اول، جهت هویت بخشیدن به مذهب و مردم ایران و تضمین استقلال ملی که از ظهور اسلام به این طرف در گرو خلافت اموی و عباسی، مغول، تیموریان، ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو بود به خوبی مطلع بودند که قوام دولت صفوی بستگی به تحکیم و تثبیت مرزهای کشورهای شیعی مذهب ایران در شرق و غرب داشته و به همین



جهت بر اساس ایدئولوژی خود (تشیع دوازده امامی) تلاش داشتند تا شیعیان پاک نهاد داخل ایران رابه سوی دین و دولت صفویه جلب نمایند که در این راه بسیارمهم هم موفق بودند (یوسف جمالی، ۱۳۹۱، ۳۹۰).

در علت انتخاب مذهب تشیع دوازده امامی به وسیله صفویه، باید گفت که این دولت توانست با جداسازی ایدئولوژی داخل ایران با خارج که شاید هم تنها راه پیروزی آنها در مبارزه با دشمنان سنی مذهب شرق و غرب مرزهای ایران بود، توانست استقلال مرزی و هویت مذهبی مردم ایران را که مدت‌ها در گرو اهداف حکومت های مختلف در ایران می بود رافراهم سازد و بار دیگر استقلال ارضی کشورمان را حفظ نماید ودراین راه هم بی باکانه و به افراط عمل نمودند (بیات، ۱۳۵۶، ۳۱-۳۳).

#### ۱۰- نتیجه گیری

با توجه به معنای لغوی و سیاسی و اجتماعی ایدئولوژی به اهمیت بسیار داشتن آن می رسیم که خود این ایدئولوژی در عالم سیاست، حکمرانی و حکومت داری یکی از پایه‌های اصلی واولیه آن است. پس صفویان نه تنها بدون برنامه و نظامی مستدل و محکم با به عرصه حکومتداری نگذاشته، بلکه دارای پشتوانه ایدئولوژی و فکر و نظریه قوی بوده‌اند که در قالب دین اسلام و سپس مذهب دوازده امامی ظهور نموده است که این ایدئولوژی دارای قدمتی هزار و چهارصد ساله می باشد که بر تمدن ماقبل ایرانیان اضافه شده و توانسته خود را بعد از قرون اول و دوم در قالب حکومت های ایرانی مسلمان شیعی به نمایش گذارد و به قرون هفتم تا نهم برسد، با توجه به مقاله ای که به رشته تحریر در آمد صفویه نه تنها حکومتی باری به هر جهت نبوده بلکه دولتی کاملاً ملی در قالب مذهب پویای تشیع دوازده امامی ظهور کردند و جالب اینکه فکر و ایدئولوژی کامل بعد از فکرها و ایدئولوژی های ناقصی مانند تشیع چهار امامی (زیدیه) و هفت امامی (اسماعیلیه) به حاکمیت رسید و در طول قرون از دل اسلام اصیل محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم گردن فرازی نموده است. آنها بعد از داشتن این ایدئولوژی قوی و سابقه‌دار و حرفی برای گفتن در این دنیا و آخرت توانسته اند علاوه بر اینکه دولتی قوی و پویا راه اندازی نمایند بلکه هویت ایرانی خود را هم حفظ نموده و خود را به عنوان ایرانی، اسلامی، شیعی به ایرانیان، منطقه و جهان معرفی نمایند.

و مهم تراز همه اینکه در کنار تشیع خویش بدنبال ملیت و ملی بودن هم بوده اند شعار ایران یکپارچه و متحد را که می دادند، عملی نموده و همچنین با داشتن فکر شیعی خود و حکومت داری، جلوی زیاده خواهی و تجزیه ایران را هم نه تنها گرفته، بلکه آنرا به وحدت و به نقشه های قبل از اسلام رساندند، پس صفویه درارایه نظریه، حکومت داری، اقدام و عمل دارای ایدئولوژی بوده‌اند، که لازمه راه اندازی یک دولت می باشد. پس هدف از ارائه این مقاله هم این بوده که آیا دولت صفویه مشخصات یک دولت ملی را داشته‌اند؟ که اثبات شد بله، ولی اگر در طی دوره ایی از سلسله فرازو نشیب ها و احیانا اشتباهات و کجروی هایی داشته اند و احیاناً نتوانسته اند این شروع خوب را به پایانی خوبتر برسانند، این ایراد به



فکر وایدئولوژی شعاری صفویه وارد نیست، بلکه به افراد آن برمی گردد و شرایط ایران آن زمان و منطقه و این ایراده صفویه هم وارد است که نتوانسته اند پویایی و جهان شمولی ایدئولوژی اسلامی رادرتی دوره سلسله خود به روزرسانی و فعال تر نمایند و به مرور زمان به حالت راکد و بی تحرکی سوق داده شدند.

## ۱۱- منابع

- ابن بزاز، درویش توکلی حاجی محمد معروف به ابن بزاز اردبیلی، ۱۳۷۶، صفة الصفا. به کوشش رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات زریاب.
- آقاجری، هاشم، ۱۳۸۱، کنش دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر بیات، خان بابا، ۱۳۵۶. تاریخ نظامی ایران، تهران، انتشارات ستاد بزرگ ارتش تاران تربیت، محمد علی، ۱۳۱۴. دانشمندان آذربایجان، تهران، انتشارات چاپ اول
- جعفریان، رسول، ۱۳۶۸، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، تهران، انتشارات تبلیغات اسلامی.
- جعفریان، رسول، ۱۳۶۳، نفوذ ۲۰۰ ساله خاندان محقق کرکی در دولت صفویه، به کوشش احسان اشراقی، جلد ۲، خواند، میر همام الدین محمد بن خواجه جلال الدین بن برهان الدین محمد شیرازی، حبیب السیر، ۳۵-۱۳۳۳، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، با مقدمه جلال همایی، ۴ جلد، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام.
- دانشنامه اسلامی ویکی فقه
- راوندی، مرتضی، ۱۳۴۷. تاریخ اجتماعی ایران، جلد دوم، تهران، انتشارات سپهر .
- صفت گل، منصور، ۱۳۸۱. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی تاریخ تحولات دینی ایران در سده های دهم تا دوازدهم هجری قمری، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا
- عالم، عبدالرحمان، ۱۳۸۸. راز های علم سیاست. تهران، انتشارات نی
- عمید، حسن، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- فوران، جان، ۱۳۷۷، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات رسا.
- کدی، نیکی آر، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کسروی، احمد، ۱۳۲۳. شیخ صفی و تبارش، تهران، انتشارات کتیبه.
- مزاوی، میشل م، ۱۳۶۸، پیدایش دولت صفوی در ایران، ترجمه یعقوب آژند، ۲، تهران، انتشارات گسترده.
- منشی ترکمان، اسکندر، ۱۳۶۴. عالم آرای عباسی، به تصحیح شاهرودی، تهران، انتشارات طلوع و سیروس





منشی ترکمان، اسکندر، ۱۳۷۷. عالم آرای عباسی، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، سه جلد، تهران، انتشارات دنیای کتاب

موحد، عبدالصمد، ۱۳۸۱. شیخ صفی الدین. چهره اصیل تصوف، آذربایجان، انتشارات طرح نور  
 نوایی، عبدالحسین، ۱۳۴۸، شاه اسماعیل اول اسناد و مکاتبات تاریخی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.  
 نوایی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی، ۱۳۹۱، تاریخ تحولات سیاسی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، انتشارات سمت.

هیوود، اندروید، ۱۳۸۷، مفاهیم کلیدی در علم سیاست، مترجمان حسن سعید کلاهی، عباس کاردان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

یوسف جمالی، محمد کریم، ۱۳۹۱، تاریخ تحولات ایران عصر صفوی از شیخ صفی تا شاه عباس اول. نجف آباد، انتشارات دانشگاه نجف آباد.